



بررسی عوامل کلیدی موفقیت در اجرای برنامه توسعه خوشه‌های

صنعتی کشور

مرتضی دارایی (نویسنده مسؤل)

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته مدیریت اجرایی

Email: mortezadarai2000@yahoo.com

اسفندیار محمدی

استادیار گروه مدیریت دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

کیومرث احمدی

استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سنندج، ایران

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۴ * تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۱۵

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی عوامل کلیدی موفقیت در اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی کشور انجام گردید. حجم نمونه آماری پژوهش حاضر ۱۰۷ نفر بود که این تعداد به روش نمونه‌گیری تصادفی از بین جامعه آماری و با استفاده از فرمول کوکران محاسبه گردید. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌ای بود که روایی صوری آن بر اساس نظر جمعی از صاحب‌نظران و اساتید مجرب تأیید گردید. پایایی چهار دسته گویه پرسشنامه مذکور به ترتیب ۷۸.۱٪، ۸۸.۱٪، ۷۲.۳٪ و ۸۰.۶٪ به دست آمد. اطلاعات حاصل از تکمیل پرسشنامه، با استفاده از نرم‌افزار Win/ SPSS نسخه ۲۱ در دو بخش آمار توصیفی و بخش آمار تحلیلی شامل آزمون سمیرنوف کولموگروف به منظور بررسی وضعیت نرمال بودن داده‌ها، آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی گویه‌ها و از آزمون مقایسه‌ای t تک نمونه‌ای به منظور آزمون فرضیات و پاسخ به سؤالات استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که متغیرهای مربوط به تیم عامل توسعه خوشه، سازمان کارگزاری و نهادهای پشتیبانی، فضای کسب و کار و توسعه پذیری خوشه‌ها با اجرای موفقیت آمیز برنامه‌های توسعه خوشه‌ها دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری می‌باشند و این متغیرها می‌تواند در موفقیت اجرای برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی مؤثر باشد. همچنین گویه‌های مرتبط با این عوامل نیز اولویت بندی گردیده و مشخص گردید که هر چقدر سطح مقیاس‌های ذکر شده افزایش یابد و از دیدگاه افراد بالاتر ارزیابی شود میزان موفقیت برنامه‌های توسعه خوشه‌ها نیز افزایش خواهد یافت

کلمات کلیدی: خوشه‌های صنعتی، تیم عامل توسعه خوشه، سازمان کارگزاری و نهادهای پشتیبانی، فضای کسب و کار و توسعه پذیری خوشه‌های صنعتی.

۱- مقدمه

با توجه به اهمیت روز افزون توسعه‌ی صنعتی در کشور و برنامه ریزی‌های متعدد برای حصول به این مهم، این مسئله اهمیت می‌یابد که با توجه به ساختار فعلی صنعت کشور استراتژی مناسب برای کسب توانمندی‌های لازم چیست؟ واقعیت آن است که در چند دهه‌ی اخیر، خوشه‌های صنعتی به عنوان یک استراتژی مناسب برای کسب مزیت‌های رقابتی و افزایش توانمندی صنایع در سطوح مختلف برنامه ریزی به ویژه در سطح منطقه ای مطرح شده و مورد توجه برنامه ریزان و سیاست گذاران در کشورهای صنعتی و در حال توسعه قرار گرفته است. از این دیدگاه که رقابت جهانی اثر زیادی بر اقتصاد ملی و منطقه ای دارد، مفهوم خوشه جایگاه ویژه ای با در نظر گرفتن تسریع رشد اقتصادی شهری و منطقه ای کسب نموده است. در بسیاری از مطالعات تصریح شده است که اقتصادهای منطقه ای موفق هستند که خوشه‌های صنعتی در آنجا بالیده و توانسته بنیانی برای رقابت‌پذیری پایدار فراهم آورد.

خوشه‌های صنعتی به مجموعه ای از واحدهای کسب و کار اطلاق می‌شود که در یک منطقه جغرافیایی و یک گرایش صنعتی متمرکز شده و با همکاری و تکمیل فعالیت‌های یکدیگر، به تولید و عرضه تعدادی کالا و خدمات می‌پردازند و از چالش‌ها و فرصت‌های مشترک برخوردارند. بدین ترتیب، مشخصه خوشه‌های صنعتی: تمرکز جغرافیایی، همکاری در تکمیل فعالیت‌های یکدیگر، تولیدات و خدمات مشترک و همین طور چالش‌ها و فرصت‌های مشترک است (Mansouri, 2007). در سال‌های اخیر خوشه‌های صنعتی توانسته‌اند به میزان زیادی توجه محافل سیاست گذاری را به خود جلب کنند (برای مثال یونیدو، سازمان بین‌المللی کار، سازمان بین‌المللی مطالعات کار).

عامل اصلی نیز، توان بالقوه خوشه‌ها در ایجاد شغل و ایجاد توان رقابتی در بازارهای جهانی باشد. شناخت عوامل اصلی موفقیت، همیشه مورد توجه پژوهشگران و سیاست گذاران بوده است (Schmitz, 1999). اگر رویکردهای گذشته تمرکز بیشتری بر اقتصاد کلان و همین طور بنگاه‌های بزرگ داشته‌اند، اینک کسب و کارهای متوسط، کوچک و خرد در قالب شبکه‌های ارتباطی قابل تعریف، ذیل بحث توسعه خوشه ای از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. بیش از یک دهه است که توسعه صنعتی مبتنی بر خوشه‌ها به عنوان یک استراتژی نوین مورد توجه برنامه ریزان و سیاست گذاران کشورهای صنعتی و در حال توسعه قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، بحث توجه به صنایع کوچک و متوسط و توسعه خوشه‌های صنعتی در داخل کشور نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ اما به نظر می‌رسد در سطح سیاست گذاری پیاده سازی الگوی توسعه خوشه ای کشور همچنان نیازمند حرکت‌های بنیادی و پایه ای است (Mansouri, 2007).

با فرصت‌های بالقوه‌ای که جهانی شدن برای دسترسی به بازارهای جهانی به وجود می‌آورد، بنگاه‌های کوچک و متوسط به طور فزاینده‌ای برای قرار گرفتن در موقعیتی که بتوانند از این فرصت‌ها مزیت کسب کنند، تحریک می‌شوند، اما به دلیل محدودیت‌های زیادی که دارند خود را از بهره‌مندی از این امکانات ناتوان می‌یابند (Asmelash Beyene, 2002). بنگاه‌های کوچک و متوسط با مشکلات و محدودیت‌های زیادی روبه‌رو هستند که به وسیله اندازه، طبیعت راه‌اندازی، ثبات، محیط رقابتی، دسترسی به فناوری و خدمات و عوامل مرتبط به آن‌ها تحمیل می‌شوند. از دهه گذشته، برنامه ریزان توسعه منطقه ای و سرزمینی، بخش قابل توجهی از زمان و انرژی خود را صرف جستجوی یک مدل نوین برای توسعه منطقه ای کرده‌اند (Moulaert, 2003).

مفاهیم این مدل نوین توسعه منطقه ای که به خوشه ای شدن صنعتی معروف است، به یک سری داستان‌های موفق منطقه ای نظیر دره سیلیکون، مناطقی در ایتالیای سوم نظیر امیلیا رومانا، بادن و ورتمبرگ در آلمان و کرویدور م 4 - در انگلیس، بر می‌گردد. این مناطق به عنوان نمونه‌های برتر در کارکرد اقتصادی مطرح شده و با به نمایش گذاشتن سطوح بالای نوآوری نقشی قوی از خوشه‌های صنعتی درون زا و به یک صورت‌بندی نهادی شبکه ای شده در سطوح منطقه ای دست یافته‌اند (Lagendijk, A. And Cornford, 2000). با الهام از این داستان‌های موفق است که پدیده خوشه بندی صنعتی مکرراً از رویکردهای مختلف و تا حدی هم پوش نظیر نواحی صنعتی، فضاهای صنعتی جدید، محیط‌های نوآور، خوشه‌های صنعتی، محیط نهادی، مناطق یادگیری، یادگیری محلی شده و سیستم‌های نوآوری منطقه ای تحت پارادایم منطقه گرایی نوین مطالعه

شده که در درون خود به دنبال درک نقش خوشه بندی صنعتی و اثرات آن بر یادگیری، نوآوری و مزیت رقابتی است (Mackinnon, D. Cumbers, 2004, Keeble, D. and Wilkinson, 2000).

در این رویکردها به توسعه منطقه ای، شکل گیری ظرفیت‌های یادگیری یک موضوع بنگاهی نیست بلکه بجای آن به روابط بین بنگاه‌ها و سایر بازیگران در محیط منطقه ای مربوط می‌شود. از این‌رو، وقتی که دانش و فناوری در رویکرد درون‌زا به مثابه موضوع درون منطقه ای تلقی می‌شود، فرایندهای یادگیری و روابط شبکه منطقه ای در پویایی درازمدت و پایداری نوآوری در منطقه نقش برجسته ای را بازی می‌کند (Eraydin, A. Armatli-Koroglu, 2005).

بیش از یک دهه است که توسعه صنعتی مبتنی بر خوشه‌ها، به عنوان یک استراتژی نوین مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشورهای صنعتی و در حال توسعه قرار گرفته است. سازمان‌های بین‌المللی نیز طرح‌های متعددی را از طریق توسعه خوشه‌های صنعتی در کشورهای مختلف اجرا و حمایت کرده‌اند. در سال‌های اخیر، بحث توجه به صنایع کوچک و متوسط و توسعه خوشه‌های صنعتی در داخل کشور نیز مورد توجه قرار گرفته است. اما به نظر می‌رسد در سطح سیاست‌گذاری و پیاده‌سازی الگوی توسعه خوشه‌ای، کشور همچنان نیازمند حرکت‌های بنیادی و پایه‌ای است. شایان یادآوری است که در این مطلب منظور از کسب و کار معنای فراگیر آن است و نه تولید کارخانه‌ای بنا بر این خدمات، کشاورزی و... را نیز در بر می‌گیرد. در این پژوهش محقق سعی می‌کند که به این سؤال اصلی پاسخ دهد که «چه عواملی بر موفقیت اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی کشور موثرند؟ واقعیت امر آن است که پیشینه مطالعات انجام شده در خصوص مقوله شناسایی خوشه صنعتی در کشور با استفاده از رویکرد کمی تا کنون وجود نداشته است. در ادامه به برخی از مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع اشاره می‌شود:

- فیضی پور و اردکانی (۱۳۹۰) به بررسی نقش دوره حیات بنگاه‌های جدیدالورود در تغییرات اشتغال ایجاد شده توسط آن‌ها می‌باشد. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که بنگاه‌های کوچک و متوسط تنها زمانی می‌توانند به عنوان ایجادکنندگان اصلی شغل تلقی شوند که بتوانند در سه سال ابتدایی ورود به بازار به حیات اقتصادی خود ادامه دهند. این یافته بدان معنی است که حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط برای تداوم حیات مهم‌تر از حمایت برای ایجاد اشتغال می‌باشد.
- در مطالعه شناسایی خوشه‌های پیشرو اقتصادی استان همدان برمکی، (۱۳۹۰) خوشه‌های زراعت و باغداری، ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها و دامداری، مرغداری، پرورش کرم ابریشم و زنبور عسل و شکار به عنوان خوشه‌های پیشرو اقتصادی استان همدان شناسایی شده است.
- هادی زنوز و برمکی (۱۳۸۹) در پژوهشی به شناسایی خوشه‌های صنعتی پیشرو در استان تهران پرداخته‌اند. اطلاعات مستخرج از پرسشنامه تبیین کننده چهار مشخصه است که تعاملات ضمنی بین کارگاه‌های صنعتی استان تهران را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این مشخصه‌ها عبارتند از: برون سپاری، پیمانکاران فرعی، نحوه تأمین خدمات صنعتی جهت تعمیر اساسی اموال سرمایه ای و خرید و فروش محصولات و خدمات بین صنایع. در گام سوم با ترسیم نمودارهای تار عنکبوتی بر اساس ۱۵ متغیر عملکرد اقتصادی، خوشه صنعتی تولید وسایل نقلیه موتوری به عنوان خوشه صنعتی پیشروی استان تهران معرفی شده است.

- حجی و پاسبانی (۱۳۸۸) در پژوهش خود به نام مطالعه روش توسعه خوشه‌های صنعتی با رویکرد UNIDO در SME به بررسی ساختار بنگاه‌های کوچک و متوسط تولید کننده خودرو و تعیین روابط میان این بنگاه‌ها با یکدیگر، با تأمین کنندگان، بازار و مؤسسه‌ها و نهادهای مالی و اعتباری، مراکز پژوهشی و علمی در قالب مطالعات خوشه‌های صنعتی جهت ارائه مدل توسعه خوشه‌ها پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که واحدهای کوچک و متوسط تولید کننده قطعات خودرو، به دلیل عدم مشارکت گروهی در ساخت و ارائه محصولات با مارک مشترک، پایین بودن سرمایه اجتماعی، عدم روابط سالم در بین تولید کنندگان، ضعف روابط بین واحدها با تأمین کنندگان، بازار و ارائه دهندگان خدمات توسعه کسب و کار و نیز عدم ارتباط صحیح با مراکز علمی و پژوهشی توانسته‌اند از پتانسیل‌های موجود خود بهره برداری نمایند. محققان

پیشنهاد کرده‌اند چنانچه مالکان و مدیران بنگاه‌ها بتوانند در چارچوب استراتژی خوشه و برنامه عملی ارائه شده همکاری‌های لازم را بنمایند ظرف مدت زمانی ۳ الی ۴ سال آینده به وضعیت مطلوب دست خواهند یافت.

- موسایی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان ارائه مدلی جهت استقرار خوشه صنعتی در پتروشیمی، با معرفی مدلی گام به گام، شیوه اثربخش مدیریت خوشه‌های صنعتی با توجه به تولیدات فعال و نیز چشم انداز آنی طراح‌های پیشنهادی و مصوب تشریح کرده است. شاخصه مهم و بارز مدل مذکور، وجود برنامه‌هایی جهت بازاریابی، پژوهش‌های بازار و تجاری سازی ایده خلق شده و استقرار در خوشه صنعتی است تا انباشتی از دانش در مراکز پژوهش و توسعه پتروشیمی کشور اتفاق بیفتد.

- (Hagen and et al., 2012) در مقاله ای تحت عنوان استراتژی بین‌المللی و انواع کارکرد خوشه‌های استراتژیک بنگاه‌های کوچک و متوسط، انواع استراتژی‌های بین‌المللی کردن خوشه‌های را بررسی می‌کند. نتایج پژوهش نشان داد که جهت جلوگیری روشن و سازگاری آن با استراتژی کسب و کار منجر به بهبود عملکرد بین‌المللی بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌شود.

- (Zhan Qing, 2012) در مطالعه خود با عنوان «بررسی تأثیر خوشه‌های صنعتی بر توسعه اقتصادی منطقه ای توسعه خوشه‌های صنعتی را عامل توسعه اقتصادی منطقه ای می‌داند. اما (Yang and et al., 2011) در مقاله ای با عنوان استراتژی خوشه‌های صنعتی در شهر کینژائو آورده‌اند که خوشه‌های صنعتی در دنیای امروز یک پدیده اقتصادی می‌باشد که الگویی مدرن برای توسعه اقتصادی است. به لحاظ تئوری یک خوشه صنعتی می‌تواند تخصیص شدن صنعت را تقویت کرده و به همکاری آن‌ها با هم در قالب انجمن کمک نماید. بنابراین این الگوی صنعتی به صورت منطقی تخصیص تکنولوژی، استعداد و سرمایه را ارتقاء می‌دهد و پیشرفت فنی و مدیریت نوآوری را باعث می‌شود. این مقاله صنایع رقابتی شد کینژائو طبق قانون تجاری داخلی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. استراتژی‌ها و پیشنهادهای که برای ارتقاء توسعه صنایع مهم مطرح شده بودند جنبه‌های مختلف همکاری دولت، ساختار صنعت، رقابت بنگاه، برند اقتصادی و... بودند. این استراتژی‌ها برای خوشه‌های صنعتی منابع مهمی را فراهم می‌کند تا به پیشرفت و توسعه اقتصادی منجر گردد.

در مجموع اهمیت پژوهش حاضر از آن جهت است که در چند دهه‌ی اخیر شاهد توجه فزاینده به خوشه‌های صنعتی در محافل علمی و همچنین نزد سیاست‌گذاران عرصه‌ی اقتصاد هستیم که برآمده از نتایج حاصله از استفاده از خوشه‌های صنعتی به عنوان راهبردی جهت افزایش توان صنعتی است. خوشه‌های صنعتی از آن رو که موجب افزایش توان رقابت پذیری و کارایی صنایع و همچنین همکاری بین فعالیت‌های مرتبط می‌شود، دارای اهمیت است. در ابتدای امر خوشه‌های صنعتی بیشتر از جهت ایجاد اشتغال و ارزش افزوده مهم تلقی می‌شد، ولی در ادامه‌ی مطالعات در این حوزه، اکنون این بحث مطرح است که صنعت متکی بر خوشه، نه تنها می‌تواند موجب ایجاد و گسترش نوآوری شود، بلکه عامل شتاب حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان نیز است. هدف کلی این مقاله نیز شناسایی و اولویت بندی عوامل کلیدی موفقیت در اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی کشور می‌باشد. که در راستای دستیابی به هدف کلی فوق، اهداف اختصاصی زیر در نظر گرفته شده است:

- ۱- شناسایی اثر توسعه پذیری خوشه بر موفقیت اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی کشور.
- ۲- شناسایی اثر فضای کسب و کار بر موفقیت اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی کشور.

۳- شناسایی اثر تیم عامل توسعه خوشه صنعتی بر موفقیت اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی کشور.

۴- شناسایی اثر سازمان کارگزاری و نهادهای پشتیبانی بر موفقیت اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی کشور.

۲- مواد و روشها

روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایشی و از نوع توصیفی - تحلیلی است. همچنین پژوهش حاضر، از لحاظ ماهیت کمی و از لحاظ هدف کاربردی است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با $n = 107$ نفر محاسبه گردید. این تعداد به روش نمونه‌گیری تصادفی از بین جامعه آماری انتخاب شدند. در پایان پس از ارسال برای افراد صاحب نظر در عملیات میدانی تعداد ۸۸ پرسشنامه تکمیل و دریافت گردید. اطلاعات حاصل از تکمیل پرسشنامه، با استفاده از نرم‌افزار SPSS /Win نسخه ۲۱ در دو

بخش آمار توصیفی و بخش آمار تحلیلی شامل آزمون سمیرنوف کولموگروف به منظور بررسی وضعیت نرمال بودن داده‌ها، آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی گویه‌ها و از آزمون مقایسه ای t تک نمونه ای به منظور آزمون فرضیات و پاسخ به سؤالات استفاده شده است.

۳- نتایج و بحث

یافته‌ها نشان داد که نزدیک به ۸۰ درصد از افراد پاسخگو مرد و مابقی نیز زن بوده‌اند. همچنین از لحاظ سنی بیشتر افراد در رده سنی ۳۱ تا ۴۰ سال قرار داشته و کمترین فراوانی نیز مربوط به افرادی بود که سن آن‌ها از ۵۰ سال به بالا بوده است. از طرفی دیگر مشخص گردید که ۷۱/۶ درصد از افراد حوزه پژوهش در حد لیسانس و پایین‌تر از آن سواد داشته‌اند. یافته‌ها نشان داد که از دیدگاه ۹۸/۸ درصد از افراد قابلیت توسعه پذیری خوشه در اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی را در حد زیاد و خیلی زیاد مؤثر بوده و در مجموع این متغیر بیش‌تر از حد زیاد در اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی مؤثر بوده است.

بررسی متغیر وضعیت تیم عامل توسعه خوشه نشان داد که ۹۷/۷ درصد از پاسخگویان وضعیت تیم عامل توسعه خوشه را تا حد زیاد و خیلی زیادی در اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی مؤثر می‌دانند و در مجموع این متغیر بیشتر از حد زیاد در اجرای برنامه توسعه خوشه‌ها مؤثر بوده است. با بررسی وضعیت تأثیر سازمان‌های کارگزاری و نهادهای پشتیبانی از دیدگاه پاسخ دهندگان مشخص شد که ۸۲/۹ درصد از افراد پاسخ دهنده در حد زیاد و خیلی زیاد این متغیر را در اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی، مؤثر دانسته‌اند و در مجموع این متغیر نیز بیشتر از حد زیاد در اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی مؤثر بوده است.

وضعیت فضای کسب و کار یکی دیگر از شاخص‌هایی بود که میزان تأثیر آن از دیدگاه افراد حوزه پژوهش بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که ۸۰/۳ درصد از افراد میزان تأثیر این متغیر را در حد زیاد و خیلی زیادی در اجرای برنامه توسعه خوشه‌های صنعتی مؤثر دانسته و در مجموع این متغیر نیز بیشتر از حد زیاد در اجرای برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی مؤثر بوده است. در این قسمت به منظور آزمون فرضیات پژوهش از آزمون t تک نمونه ای استفاده شده است. این آزمون زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مقایسه میانگین یک جامعه با میانگین معمول، استاندارد یا رایج مد نظر باشد. همچنین می‌توان به جای میانگین رایج از یک عدد فرضی نیز استفاده کرد. از آنجا که سنجش گویه‌های این پژوهش با استفاده از طیف لیکرت (خیلی کم-۱، کم-۲، تا حدی-۳، زیاد-۴ و خیلی زیاد-۵) بوده است و در فرضیات نیز اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مطرح گردیده است لذا مقدار میانگین به طور پیش فرض عدد سه در نظر گرفته شده است. نتایج این آزمون در جدول (۱) آورده شده است.

جدول شماره (۱): نتایج آماره‌های توصیفی آزمون t تک نمونه ای متغیرهای مورد بررسی (میانگین مفروض ۳)

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
تیم عامل توسعه خوشه	۸۸	۴/۵۷	۰/۵۴۰
سازمان کارگزاری و نهادهای پشتیبانی	۸۸	۴/۱۲	۰/۷۳۹
توسعه پذیری خوشه	۸۸	۴/۳۰	۰/۴۸۷
فضای کسب و کار	۸۸	۴/۰۷	۰/۶۸۱

متغیر	t	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین
تیم عامل توسعه خوشه	۲۷/۴۰۰	۸۷	۰/۰۰۰	۱/۵۷
سازمان کارگزاری و نهادهای پشتیبانی	۱۴/۲۶	۸۷	۰/۰۰۰	۱/۱۲
توسعه پذیری خوشه	۲۵/۱۲	۸۷	۰/۰۰۰	۱/۳۰
فضای کسب و کار	۱۴/۸۵	۸۷	۰/۰۰۰	۱/۰۷

فرضیه ۱

H_0 : تیم عامل توسعه خوشه بر اجرای موفق برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی کشور تأثیر مثبت و معنی داری ندارد.
 H_1 : تیم عامل توسعه خوشه بر اجرای موفق برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی کشور تأثیر مثبت و معنی داری دارد.
 از آنجایی که مقدار t حاصل ۲۷/۴ می‌باشد و سطح معنی داری به دست آمده (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد است، بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد. بدین معنی که تیم عامل توسعه خوشه بر اجرای موفق برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی کشور تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

فرضیه ۲

H_0 : سازمان کارگزاری و نهادهای پشتیبان بر اجرای موفق برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی کشور تأثیر مثبت و معنی داری ندارد.
 H_1 : سازمان کارگزاری و نهادهای پشتیبان بر اجرای موفق برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی کشور تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

از آنجایی که مقدار t حاصل ۱۴/۲ می‌باشد و سطح معنی داری به دست آمده (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد است، بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد. بدین معنی که سازمان کارگزاری و نهادهای پشتیبان بر اجرای موفق برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی کشور تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

فرضیه ۳

H_0 : توسعه پذیری خوشه بر اجرای موفق برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی کشور تأثیر مثبت و معنی داری ندارد.
 H_1 : توسعه پذیری خوشه بر اجرای موفق برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی کشور تأثیر مثبت و معنی داری دارد.
 از آنجایی که مقدار t حاصل ۱۴/۸ می‌باشد و سطح معنی داری به دست آمده (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد است، بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد. بدین معنی که توسعه پذیری خوشه بر اجرای موفق برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی کشور تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

فرضیه ۴

H_0 : وضعیت فضای کسب و کار بر موفقیت اجرای موفق برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی کشور تأثیر مثبت و معنی داری ندارد.
 H_1 : وضعیت فضای کسب و کار بر موفقیت اجرای موفق برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی کشور تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

از آنجایی که مقدار t حاصل ۲۵/۱ می‌باشد و سطح معنی داری به دست آمده (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۵ درصد است، بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد. بدین معنی که وضعیت فضای کسب و کار بر اجرای موفق برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی کشور تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

واقعیت این است که رشد و توسعه صنایع بدون طراحی و اجرای استراتژی مناسب مقدور نمی‌باشد. یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های توسعه صنایع مخصوصاً صنایع کوچک و متوسط، ایجاد خوشه‌های صنعتی است. الگوی خوشه‌های صنعتی یکی از الگوهای نوین توسعه است که از سه دهه پیش مورد توجه محققین توسعه اقتصادی قرار گرفته است. تجربیات کشورهایمانند ایالات متحده، کانادا، ایتالیا، هند، ژاپن، استرالیا، انگلستان و غیره، بیانگر موفقیت این رویکرد در توسعه صنعتی است. همچنین سازمان‌های جهانی مانند یونیدو، برنامه‌های توسعه مبتنی بر رویکرد شبکه‌ها و خوشه‌های صنعتی را مورد تأکید قرار داده‌اند. امروزه بسیاری از کشورهای توسعه یافته از استراتژی توسعه خوشه‌های صنعتی بهره می‌برند.

توسعه خوشه‌های صنعتی به عنوان یک استراتژی مناسب برای کسب مزیت‌های رقابتی و افزایش توانمندی صنایع در سطوح مختلف برنامه ریزی به ویژه در سطح منطقه‌ای مطرح شده و مورد توجه برنامه ریزان و سیاست گذاران در کشورهای صنعتی و در حال توسعه قرار گرفته است. از این دیدگاه که رقابت جهانی اثر زیادی بر اقتصاد ملی و منطقه‌ای دارد، مفهوم

خوشه جایگاه ویژه‌ای با در نظر گرفتن تسریع رشد اقتصادی شهری و منطقه‌ای کسب نموده است. در بسیاری از مطالعات تصریح شده است که اقتصادهای منطقه ای موفق هستند که خوشه‌های صنعتی در آنجا بالیده و توانسته بنیانی برای رقابت‌پذیری پایدار فراهم آورد. خوشه‌های صنعتی از آن رو که موجب افزایش توان رقابت‌پذیری و کارایی صنایع و همچنین همکاری بین فعالیت‌های مرتبط می‌شود، دارای اهمیت است. در ابتدای امر خوشه‌های صنعتی بیشتر از جهت ایجاد اشتغال و ارزش افزوده مهم تلقی می‌شد، ولی در ادامه‌ی مطالعات در این حوزه، اکنون این بحث مطرح است که صنعت متکی بر خوشه، نه تنها می‌تواند موجب ایجاد و گسترش نوآوری شود، بلکه عامل شتاب حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان نیز است. بنابراین لازم است تا با توجه به این جایگاه عواملی که می‌توانند به موفقیت و پیشبرد هرچه بیشتر اهداف خوشه‌ها کمک نمایند مورد مذاقه و واکاوی عمیق‌تر قرار گیرند که در این پژوهش برخی از این استلزام‌ها شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از آن جا که متغیرهای مربوط به تیم عامل توسعه خوشه، سازمان کارگزاری و نهادهای پشتیبانی، فضای کسب و کار و توسعه‌پذیری خوشه‌ها می‌تواند در موفقیت اجرای برنامه‌های توسعه خوشه‌های صنعتی مؤثر باشد. بنابراین هرچقدر سطح مقیاس‌های ذکر شده افزایش یافته و توسط افراد بالاتر ارزیابی شود میزان موفقیت برنامه‌های توسعه خوشه‌ها نیز افزایش خواهد یافت لذا پیشنهاد می‌گردد که مدیران و دست‌اندرکاران این حوزه در جهت تقویت موارد زیر که مرتبط با اولویت‌های به دست آمده این عوامل می‌باشند بیشتر بکوشند:

- افزایش صرفه‌های ناشی از تجمیع خوشه‌های صنعتی کشور
- تخصصی نمودن بیش از پیش خوشه‌ها
- افزایش در روابط بنگاه‌ها با یکدیگر به منظور تکمیل فعالیت‌های مرتبط
- توجه ویژه به تقویت روابط عمومی در تیم‌های عامل توسعه خوشه‌ها
- به‌کارگیری افراد توانمند و دارای قدرت رهبری در تیم‌های عامل توسعه
- به‌کارگیری افراد دارای دانش مدیریت استراتژیک در تیم توسعه
- تسهیل و روان سازی هر چه بیشتر قوانین و مقررات دولتی و کاهش بوروکراسی اداری
- ایجاد هماهنگی‌های بیشتر بین بخش‌های مختلف از جمله نهادهای سیاسی و اقتصادی در منطقه
- مداخله دولت در جهت تأمین و توسعه هر چه بیشتر زیر ساخت‌های فیزیکی در منطقه
- توسعه و ترویج فرهنگ کار و نقش مهم خوشه‌های صنعتی در جهت شکوفایی اقتصاد کشور
- تلاش هرچه بیشتر دست‌اندرکاران اقتصاد کلان کشور در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و فراهم نمودن فرصت‌های هرچه بیشتر در بازار رقابتی کنونی.

۴- منابع

- 1- Asmelash Beyene (2002). Enhancing the competitiveness and productivity of Small and Medium scale Enterprises (SMEs). In African analysis of differential roles of national governments through improved support services Africa DevelopmentX XXVII, (3).
- 2- Cooke, Philip. (2002). Knowledge Economies Cluster, Learning and Cooperative Advantage", Rutledge Press.
- 3- Eraydin, A. Armatli-Koroglu, B. (2005). Innovation Networking and the new industrial clusters: the characteristics of networks and local innovation capabilities in the Turkish industrial clusters, Entrepreneurship and Regional Development, 17(7),237-266.
- 4- Hagen, Zucchella, Cerchiello, Giovanni. (2012). International Strategy and performance clustering strategic types of smes.
- 5- Haggi, Pasabani. (2010). UNIDO's approach to the study of the development of industrial clusters SME.

- 6- Keeble, D. and Wilkinson, F. (2000). High-technology clusters, Networking and collective learning in Europe. Ashgate, England.
- 7- Lagendijk, A. and Cornford, J. (2000). Regional institutions and knowledge-tracking new forms of regional development policy. Geoforum 31, 209-218.
- 8- Mackinnon, D. Cumbers, Andrew and Chapman Keith. (2002). Learning, Innovation and regional development: acritical appraisal of recent debates. Progress in Human Geography, 26 (3).
- 9- Mansouri, isa. (2006). Introduction to industrial clusters, Small Industries & Industrial Parks Organization of Community Affairs, First Edition.
- 10- Mosaei, M. and Qozatloo Moayed. (2009). Development of knowledge (scientific research). 16(28), 2009.
- 11- Moulaert, F. and SekiaF. (2003). Territorial Innovation Models: A critical Survey, Regional Studies, 37 (3).
- 12- Schmitz, Hubert and Khalidi Nadwi. (2002). A new approach in the development of industrial clusters, industrial., translators: Zndbaf Abbas and Abbas informant, Tehran: the New Deal.
- 13- Zhan Qing, 2012 international conference on mechanical and electronic engineering. The research on influence of industrial clusters on regional economic development.

